



27 مارچ 2014

داکتر سيد عبدالله کاظم

## تأملي برسخرانی رئیس جمهور کزری در شورای ملی افغانستان (قسمت سوم و آخر)

(به ادامه قسمت دوم)

**14-** جناب رئیس جمهور در مورد برادران طالب خود چنین می فرماید: «من به آن عده از طالبانی که شهروندان این کشور اند، فرزندان این کشور اند همیشه برادر خطاب کردم در حالیکه می دانستم برخی با این خطاب من به طالبها بنام برادر موافق نبودند و انتقاد کردند. اما آنها از این کشور اند و برادر اند. تلاش من این بود تا با مخاطب قراردادن آنها، راهی بیابم تا آن بخش های از طالبان را که فرزندان این وطن اند، تشویق کنم تا خود را از چنگ بیگانه نجات دهند، به برادرکشی و خون ریزی در خاک خود پایان داده و به روند سیاسی روی آورند».

بر اساس شریعت و عرف یک پدر میتواند فرزند ناصالح و نا خلف خود را که با تمام تلاش و پند و تنبیه اصلاح پذیر نباشد، «عاق» کند یعنی او را نظر به اعمال خشونت بارش از حق فرزندی خود محروم سازد، در حالیکه از نظر خونی قطع این پیوند ناممکن است. جای شک نیست که یک قسمت مخالفان مسلح دولت از جمله طالبان از نظر پیوند ملی جز فرزندان افغانستان میباشند، ولی از نظر رویه باید مثل یک فرزند عاق شده تلقی گردیده و از حق فرزندی محروم شناخته شوند. فرزندانیکه با بیگانه همدست شده و وطن خود را خراب و برادر بیگانه خود را به شمول زن و طفلش به قتل میرسانند و با این اعمال شوم خود بیشرمانه اعتراف و حتی افتخار میکنند، آیا لازم است آنها را باز هم فرزندان این خانه و یا بزعم رئیس جمهور «برادران ناراضی» خطاب کرد؟ آنها تنها در «چنگ بیگانه» قرار ندارند، بلکه خود به بیگانه تبدیل شده اند و حتی بدتر از بیگانه اند.

رئیس جمهور می فرماید: «ما میدانیم که رهبری طالبان در پاکستان در امن و آمان زندگی می کنند. آن عده از اعضای طالبان که آماده مذاکره و گفتگو با مردم خود با کشور خود می باشند، متأسفانه دستگیر و یا کشته می شوند».

با آنکه رئیس جمهور این واقعت را بخوبی میداند، پس چگونه میتواند با دل بستن به یک یا چند نفر آنها که خود را آماده صلح و مذاکره نشان میدهند، کاری را صلح و ثبات را پیش ببرد، زیرا این چند نفر صلاحیت مذاکره و توانایی تأمین صلح را ندارند و در صورت اقدام خودسرانه زودی از طرف همقطاران و یا هم پیمانان خود از بین برده میشوند. تلاش برای جلب و جذب آنها برای مذاکره نه تنها موجب بروز دو دسته گی قوی بین آنها نمیشود، بلکه زمینه های نابودی آن عده ای قلیل را نیز فراهم می سازد و مسئولیت آن بدوش کسانی می افتد که جان آنها را به خطر می اندازند. امید کاذب دست یابی به صلح در واقع به «تارخام» بستن روند صلح و تداوم بازی نوع «موش و پشک» بوده و ضیاع وقت است و با تضرع نمیتوان آنها را از مسیر مطلوب شان یعنی رسیدن به قدرت و احیای مجدد امارت طالبی منصرف ساخت.

**15-** با مسائل سیاست خارجی افغانستان در این دوازده سال گذشته بطور بسیار سلیقه ای برخورد شده است، زیرا وزارت خارجه در مجموع بیک شعبه ارگ تبدیل گردیده و وزیر خارجه تدریجاً حیثیت مدیرعمومی سیاسی را به خود گرفته است. به همین دلیل است که همه سران و نمایندگان خارجی به هر سویه فقط میخواهند مستقیم با رئیس جمهور ملاقات کنند و وزیر خارجه در این ملاقات ها جزء حضار و سامعین مجلس بوده و هیچکس به او حیثیت یک شخص مسئول امور سیاست خارجی را قایل نیست. همه تصامیم سیاست خارجی کاملاً در دست رئیس جمهور قرار دارد و مزاج متلون او همه نشیب و فرازها را در سیاست کشور تعیین میکند. اگر روزی رئیس جمهور سرحال باشد، دشمن را دوست و روز دیگر همان دوست را دشمن می پندارد. اینکه چه عوامل در تغییر مزاج او اثر می گذارد، کمتر منافع ملی، بلکه بیشتر سلیقه های شخصی او دخیل است. یک روز برحکومت پاکستان انتقاد میکند و آنرا دشمن

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولۍ

افغانستان می شمارد، ولی روز بعد وقتی از او می پرسند که اگر جنگ بین امریکا و پاکستان رخ دهد، شما از کدام طرف حمایت می کنید، جواب می دهد: «از پاکستان!».

بهرحال با همین تلون مزاج توجه را با این فرموده رئیس جمهور کرزی جلب میدارم که در ارتباط با پروسه صلح و امضای قرارداد امنیتی بین افغانستان و ایالات متحده امریکا در بیانیه خود در شورای ملی کشور ابراز کرد. او گفت: «من بر این باورم که پاکستان و ایالات متحده امریکا می توانند به امر صلح در افغانستان کمک کنند. به دلیل اهمیت حیاتی که صلح برای مردم افغانستان دارد، من پیش شرط امضای قرارداد امنیتی با ایالات متحده امریکا را، آغاز پروسه صلح قرار دادم. مردم افغانستان در لویه جرگه اخیر صلح را توصیه کردند تا قرارداد امنیتی با ایالات متحده امریکا امضاء شود، اما در عین زمان آغاز پروسه صلح را نیز به مثابه پیش شرط امضای این قرارداد، مطرح کردند».

درباره این موضوع مطالب بسیار در رسانه ها به نشر رسیده که نمیخواهم همه را تکرار کنم؛ آنچه به نظرم درخور توجه است همانا مسئله توصیه جرگه مشورتی برای آغاز پروسه صلح به حیث پیش شرط امضای قرارداد امنیتی میباشد که آیا واقعاً این موضوع را جرگه به حیث «پیش شرط» مطرح کرده است یا چطور؟

نگاهی به «قطعنامه لویه جرگه مشورتی» بخصوص فقرات 2، 3، 5 و 6 آن به وضاحت میرساند که در رابطه با پروسه صلح هیچ موضوع به حیث «پیش شرط» گنجانیده نشده است. توجه کنید به متن فقرات متذکره:

فقره 2: «باتوجه به وضعیت موجود و بادر نظر داشت نیاز افغانستان به حمایت جامعه بین المللی در جریان دهه تحول الی خود کفائی ملی، مفاد قرارداد همکاری های امنیتی درکل مورد تائید اعضای لویه جرگه مشورتی میباشد»؛

فقره 3: «اعضای لویه جرگه مشورتی با ارج گذاری به احساس وطن دوستی جلالتمآب حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، به ایشان پیشنهاد مینماید تا قرارداد همکاری های امنیتی را الی ختم سال 2013 جانب ایالات متحده امریکا امضا و به خاطر طی مراحل بعدی به شورای ملی بفرستند»؛

فقره 5: «اعضای لویه جرگه از جامعه جهانی، بخصوص ایالات متحده امریکا و دولت افغانستان خواهان تسریع پروسه صلح و مذاکرات بین الافغانی بوده تأکید می نمایند تا امضای این قرار داد منتج به تأمین صلح و امنیت در سراسر افغانستان گردد»؛

فقره 6: «اعضای لویه جرگه تأکید می نمایند تا در ماده 26 قرارداد یک پراگراف جداگانه مبنی بر تضمین طرفین برای عملی نمودن اقدامات ملموس جهت بهبود صلح و امنیت در سراسر افغانستان علاوه گردد».

از فقرات فوق به وضاحت معلوم میشود که لویه جرگه پیشنهاد میکند تا قرارداد امنیتی الی اخیر سال 2013 امضا برسد و به برای طی مراحل بعدی به شورای ملی فرستاده شود. در این متن هیچنوع پیش شرط ذکر نشده است، همچنان در فقرات بعدی تأکید بر «تسریع پروسه صلح و مذاکرات بین الافغانی» و نیز از ایزاد یک فقره در ارتباط به «اقدامات ملموس جهت بهبود صلح و امنیت سراسر افغانستان» صورت گرفته است. در اینجا هیچ تذکری از پاکستان و طالبان بعمل نیامده و موضوع صلح و امنیت را مشخصاً بین الافغانی و در داخل افغانستان محدود ساخته است.

اما جای تعجب این است که در ختم اعلامیه (در پایان صفحه 7) مطالبی با این عبارت اضافه شده که: «نوت: اعضای لویه جرگه مشورتی متن بیانیه اختتامیه جلالتمآب رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در مجلس عمومی لویه جرگه را استماع و به اتفاق آراء مورد تائید قرار دادند. اعضای لویه جرگه مشورتی به اتفاق آراء تائید نمودند تا متن بیانیه متذکره ضمیمه قطعنامه گردیده و نکات اجرایی بیانیه یاد شده بخصوص سخنان رئیس جمهور در مورد توقف تلاشی و عملیات نظامی امریکا اعتبار از امروز، بهبود وضعیت امنیتی، آوردن فوری صلح، صداقت ایالات متحده در مقابل دوستی افغانها به فیصله های لویه جرگه مشورتی افزوده شود».

از آنجائیکه قطعنامه قبل از ایراد بیانیه اختتامیه رئیس جمهور در کمیسیون های پنجاه گانه توحید، ترتیب و تصویب گردید بود، منطقاً این سؤال مطرح میشود که آیا بعد ختم بیانات رئیس جمهور اعضای کمیته های پنجاه گانه مجدداً تشکیل جلسه دادند و متن بیانیه رئیس جمهور را پس از غور و تدقیق به اتفاق آراء تائید و فیصله کردند که باید به قطعنامه افزوده شود؟ آیا آنها متوجه نشدند که محتوای بیانات رئیس جمهور با روحیه فیصله لویه جرگه متفاوت بود و

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

از این ناحیه برخورد لفظی بین رئیس جمهور و رئیس لویه جرگه به شکل ناموزون صورت گرفت؟ همچنان ایزاد یک پراگراف به شکل «نوت» میتواند از نظر حقوقی معادل به فقرات رسمی داخل قطعنامه پنداشته شود و روحیه قطعنامه را بطور کل تغییر دهد؟ در جواب این همه سؤاها میتوان بیک نتیجه رسید که این «نوت» بعداً و بدون طی مراحل لازم و معمول لویه جرگه نه به قسم فیصله بلکه به حیث یک یادداشت از طرف یکی دو شخص یا منشی علاوه شده است و از نظر حقوقی به هیچوجه مدار اعتبار معادل با فقرات مندرج قطعنامه نمیشود.

**16 -** به ارتباط موضوع قرارداد امنیتی با امریکا و مسئله صلح بازم رئیس جمهور به شیوه دیگر اظهار مطلب میکند و می افزاید: «مردم افغانستان مخالف قرارداد امنیتی با امریکا نیستند، مردم افغانستان شاید طرفدار هم باشند ولی مردم افغانستان صلح را اساس زندگی میدانند مثل هر کشور دیگر جهان و مثل هر ملت دیگر جهان پس اگر کشوری با ما قرارداد امنیتی میطلبد و رابطه میطلبد و پایگاه میطلبد آن حضور باید به افغانستان صلح بیاورد تا ما در صلح زندگی کنیم و آنها در منفعت خود».

جمله اخیر در متن فوق بسیار مهم و دلچسپ است که رئیس جمهور در ازاء این قرارداد از امریکا میخواهد که در افغانستان صلح را بیاورد تا ما در صلح زندگی کنیم. در اینجا سؤال میشود که اگر وظیفه امریکا آوردن صلح به افغانستان باشد، پس وظیفه حکومت ما چیست؟ آیا فقط این وظیفه ما است که از صلح دست آورد دیگران بهره گیریم و آرام زندگی کنیم؟ آیا رئیس جمهور و هر انسان عاقل و وارد در قضایا نمیداند که آوردن صلح یک پدیده مغلق و دشوار است؛ کاری نیست که فقط در یک روز و یا طی یک محفل بدست آید.

برای آوردن صلح باید نخست طرف مقابل را تعریف، تشخیص و به اراده و باور شان به صلح معنقد بود یعنی صلح با کی، از چه طریق، به چه قیمت و تحت کدام شرایط؟ آیا رئیس جمهور و یا اداره سیاسی شان تاحال توانسته است به این سؤاها جواب دقیق و عملی ارائه کند؟ اگر جواب هر نوع صلح خواهی را طرف مقابل با بمب انتحاری و لوله تفنگ بدهد، چگونه میتوان به اراده آنها به صلح باور داشت، مگر اینکه آنها فقط یک چیز را میخواهند و آنهم قدرت کامل در کشور و حکومت کردن با همان شیوه ای که مردم ما خاطره های بسیار تلخ و تاریک از آن دارند. آیا این نوع صلح را میتوان صلح نامید و یا انقیاد و بندگی بنده؟

آوردن صلح و امنیت بسته به عواملی اند که آن عوامل موجب برهم خوردن صلح و امنیت میشوند. دولت افغانستان و نیز جامعه جهانی متأسفانه همیشه این عامل را در وجود طالبان خلاصه میکنند که آنها از پاکستان وارد کشور شده با عملیات انتحاری، بمب گذاری کنار جاده و حملات نوع «گوریلائی» امنیت را در محلات و داخل شهرها اخلاص میکنند. اما برهم خوردن امنیت عاملان مختلف دارد: عناصری که از خارج کشور نفوذ میکنند، بخصوص طالبان پاکستانی و افغان، گروه های مسمی به «حقانی» و همچنان وابستگان حزب اسلامی حکمتیار، اما عاملان داخلی را میتوان به چند دسته تقسیم کرد: مافیای مواد مخدر، مافیای اقتصادی، زورمندان محلی مسلح «جنگ سالاران سابق» که اکثر شان به مقصد کسب قدرت مزید در محل اکنون خود را زیرچتر دولت پنهان کرده اند، عده ای از ماجراجویان به شمول الطریق ها منسوبین شرکتهای نام نهاد امنیتی و نیز تعدادی از ناراضی ها از اجرات دولت. اینکه از بین همه این عاملان تنها صلح با طالبان را وسیله رسیدن به امنیت دانست، یک اشتباه است، آنهم از طریق تفاهم با یک گروه کوچک و فاقد صلاحیت آنها. به نظر من هرگاه دولت اقدامات را از عاملان داخلی آغاز کند، ساده تر و آسانتر است یعنی مبارزه جدی علیه قاچاقبران مواد مخدر، قاچاقبران اقتصادی، فشار بر روزمندان محلی و برکناری شان از قدرتهای دولتی، رسیدگی به احوال گروه های ناراضی.

یقین است که با اینکار عملیات مخالفان مسلح از بیرون کشور نیز کم میشود و آنها دستیاران و زمینه سازان داخلی خود را از دست داده تاحدی در عملیات خود در داخل کشور منزوی و ضعیف میگردند. با اغماض از عاملان داخلی و برعکس بزرگ نشان دادن قدرت طالبان در مقابله با دولت و با تضرع خواهان مذاکره و صلح با آنها شدن، تأثیرات روانی بر مردم وارد کرده و یک عده فرصت طلب را بسوی آنها می کشاند تا این فرصت طلبان موقف به اصطلاح «روز ملنگ و شب پلنگ» را اختیار کنند یعنی گاهی با دولت و گاهی با مخالفان تغییر موقف دهند، چنانچه همین وضع را میتوان در بین یک عده نیروهای امنیتی کشور مشاهده کرد که ظاهراً متعلق به دولت اند، ولی در باطن با طالبان همکاری دارند.

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

در این حال تا زمانیکه دولت افغانستان در اداره و شیوه حکومتداری خود تغییر جدی وارد نکند و با قاطعیت در زمینه کنترل و امحای عاملان داخلی اقدام ننماید، رسیدن به صلح و امنیت «پایدار» ناممکن است. پس نباید از امریکا این توقع را داشت که صلح را برای ما به ارمغان بیاورد، بلکه این وظیفه دولت و مردم افغانستان است تا در این راه پیشقدم شوند و از جامعه جهانی در این راه استمداد جویند. امیدوارم که رئیس جمهور آینده کشور به این موضوع عطف توجه کند و اشتباهات متواتر رئیس جمهور کرزی را تکرار نکنند.

**17 -** رئیس جمهور کرزی در بیانیه خود از پاکستان چیزهای را میخواید که پاکستان ضد آنرا در دل می پروراند. توجه کنید به این قسمت گفتار او: « منطقه ما بیشتر از هر زمان دیگر در معرض تهدید تروریسم قرار دارد. مردم پاکستان نیز از همان تروریسمی رنج می برند که توسط برخی از حلقه های آن کشور رشد داده شده است. ... به همین دلیل افغانستان و پاکستان زمانی می توانند به صلح و امنیت دست یابند به شرطیکه هر دو کشور حق و حاکمیت و استقلال هر دو کشور را احترام کنند و باهم همکاری صادقانه کنند.»

اما جناب رئیس جمهور به واقعیت موضوع اشاره میکند و میگوید: «به بزرگان پاکستان پیام امروز این است که حمله ای شوروی تا به امروز در افغانستان(؟؟) کوشش بر این شده که افغانستان مطیع باشد برای پاکستان، و افغانستانی باشد که زیر اثر سیاست پاکستان باشد...». اینکه کی و یا کی ها در افغانستان بر مطیع ساختن افغانستان به پاکستان تلاش دارند، رئیس جمهور از ذکر آن خودداری میکند، ولی جواب این سؤال مهم است، زیرا فقط کسانی در این راه میکوشند که قبلاً هم به قیادت و همکاری سازمان استخباراتی پاکستان به افغانستان هجوم آورده بودند و به حمایت آنها بقدرت رسیدند و امروز نیز زیر همان قومانده عمل میکنند. آنها غیر از طالبان کی خواهند بود، یعنی همان کسانی که رئیس جمهوری آنها را برادر می خواند.

برای اینکه هدف همیشگی پاکستان در مورد افغانستان واضح شود، به نقل قول ضیاءالحق رئیس جمهور سابق آن کشور باید توجه کرد که این گفته او اساس پالیسی دراز مدت پاکستان را در مورد افغانستان تشکیل میدهد. سلیگ هریسن از قول ضیاءالحق مینویسد: «ضیاء در یک مصاحبه ای که اندکی قبل از مرگش صورت گرفت [در ماه جولای 1988 - نویسنده]، بمن گفت که هدفش از ابتدای جنگ این است که ریشه های کمونیسم را از افغانستان برکند، یک رژیم دست نشانده پاکستان را در آنجا به وجود بیاورد و در صنف بندی های ستراتژیک در آسیای جنوبی تجدید نظر صورت گیرد. اکنون ما حق انرا بدست آورده ایم که در افغانستان یک رژیم دوست ما به وجود آید. ما که به حیث کشور جبهه مقدم خطری را متقبل شدیم، هرگز اجازه نخواهیم داد که حالات در آنجا به شکل سابقش برگردد، طوریکه اتحاد شوروی و هند در آنجا نفوذ داشته باشند و بر قلمرو ما دعوی موجود باشد. حکومت افغانستان یک حکومت واقعاً اسلامی خواهد بود و به حیث جزء از جنبش عمومی احیای اسلامی فعالیت خواهد کرد و روزی خواهد رسید که مسلمانهای اتحاد شوروی را بخود جلب و جذب نماید». (دیاگو کوردوویز و سلیگ هریسن: «حقایق پشت پرده تهاجم اتحاد شوروی بر افغانستان»، ترجمه: عبدالجبار ثابت، چاپ دوم، سال 1377، مرکز نشراتی میوند، پشاور، صفحه 186)

آنچه ضیاءالحق 25 سال قبل ابراز کرده بود، تاهنوز هم در مورد پالیسی پاکستان در قبال افغانستان پابرجا است و تغییری در آن نیامده است و این پالیسی همان عمق ستراتژیک آنکشور را می سازد، تنها چیزی که تغییر کرده همانا افتادن «چاه کن در چاه» است که اکنون امنیت پاکستان را همان دست پروده های خودشان که برای اهداف شوم برای دیگران تربیه کرده بودند، برهم زده و حالاً بر علیه خود شان دست بکار شده اند. با آنهم گمان نمی رود که وضع جاری در آنکشور موجب تغییر کلی در پالیسی سابق آنکشور در مورد افغانستان شده باشد، فعال نگهداشتن طالبان افغان و حمایت و تقویه آنها اکنون بیانگر همین واقعیت است. پس این گفته رئیس جمهور کرزی فقط بازی با حرف و شعار است که می گوید: «بزرگهای پاکستان دیدند که این ممکن نیست، افغانستانی که تسلیم شوروی، امریکا و انگلیس نشد، تسلیم هیچکس دیگر هم نمی شود. پس افغانستان با پاکستان دوستی میخواید ولی دوست و فقط دوست در استقلال، در عزت و در حاکمیت خاک خود هیچ عملی افراط گری و تروریسم ما را تابع کسی ساخته نمیتواند.»

پاکستان خاموشانه منتظر آن فرصت است که یکبار قوای امریکائی و متحدین ناتو از افغانستان بیرون شوند، آنوقت به اصطلاح «داگز- دا میدان» و دیده خواهد شد که وضع چگونه تغییر خواهد کرد و چگونه بار دیگر به وسیله گماشتگان خود به هدف اصلی دست خواهد یافت؟

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

**18 -** جناب رئیس جمهور افغانستان از مقامات امریکائی میخواهد تا سیاست خارجی خود را بروفق هدایت ایشان دست کم در مورد روابط با پاکستان تعدیل کنند و به امریکا گوشزد میکنند که نباید از سیاست دوگانه کار گیرد و چنین می فرماید: «میخواهم تکرار کنم که ایالات متحده امریکا می تواند به روند صلح در افغانستان کمک کند و کمک مؤثر کند. من بارها گفتم که دو راه وجود دارد یا باید با تروریزم در همانجا مبارزه شود که از آن جا منبع می گیرد و یا اینکه به حمایت و تمویل حامیان تروریزم پایان داده شود. حامیان تروریزم نباید پاداش ببینند. جهان باید به سیاست به مثابه یک رویکرد متمدن و صلح طلب برخورد کند. تمویل و حمایت از تروریزم نباید تشویق و ترغیب شود و نباید که در این مورد سیاست دوگانه باشد و یا از سیاست دوگانه استفاده شود».

اینکه چرا امریکا با پاکستان سیاست نرم را درپیش گرفته و نمیخواهد برطبق نظر رئیس جمهور کرزی با آنکشور از شدت عمل کار گیرد، مسلماً که امریکا برطبق منافع سیاسی خویش برای اینکار دلایل زیاد دارد: از جمله یکی اینست که امریکا برای مبارزه علیه تروریزم در منطقه گزینه و چاره ای دیگر بدون داشتن روابط حسنه با حکومت پاکستان نخواهد داشت، آنهم وقتی که از همکاری نزدیک با حکومت افغانستان دلسرد گردد. مزاج متلون سیاستمداران افغانستان، بخصوص بهانه گیریهای رئیس جمهور کرزی و شدت لحن صریح او در برابر مقامات امریکائی و از همه مهمتر امضا نکردن قرارداد امنیتی و در این اواخر حمایت از اقدام روسیه در مورد الحاق کریمیا همه از جمله دلایلی اند که امریکا را به دوستی دوامدار با افغانستان به حیث یک هم پیمان منطقوی در تردد و داشته است. بدون شک از این موقع زمامدارن پاکستانی استفاده کرده میکوشند هرچه بیشتر توجه امریکا را مجدداً به خود جلب کنند. اینجاست که امریکا وقتی از داشتن یک هم پیمان معتمد در افغانستان مایوس میشود، ناگزیر به پاکستان روی می آورد و مجبور است سیاست دوگانه را برطبق منافع سیاسی موجود و آینده خود در پیش گیرد. این سیاست واضحاً با سیاست دوگانه کرزی در برابر امریکا در تناقض بوده و موجب شکایت او میگردد، اما برای امریکا تعقیب همچو سیاست دوگانه مبتنی بر منافع شان است.

**19 -** رئیس جمهور کرزی با آنکه خود را سیاستمدار بزرگ میداند، اما به اصطلاح «آب را نادیده، موزه را از پا می کشد» و به عواقب آن توجه نمیکند، چنانکه عجولانه می فرماید: «امیدوارم همانگونه که با کشورهای ناتو و آیساف توافق کردیم، سربازان این کشورها تا اخیر این سال تماماً به کشورهای شان برگردند. تأمین امنیت افغانستان کار و مسوولیت مردم افغانستان است و ما مصممانه دفاع از سرحدات و تأمین امنیت را عهده دار می باشیم».

این شیوه بیان در جمله اول از نظر ترکیب و مفهوم سؤال انگیز است، زیرا جمله با ذکر کلمات «امیدوارم... توافق کردیم... و تماماً برگردند» چنین معنی میدهد که آنها (کشور های ناتو و آیساف) نمیخواهند توافق را کاملاً عملی کنند ولی (بزع کرزی) ما امید میکنیم که آنها هرچه زودتر افغانستان را ترک کنند، درحالیکه تا هنوز مسئله توافق قطعی نشده و مذاکرات دوام دارد و گذشته از آن برای خروج قوای آنها تا ختم 2014 فرصت باقی است.

جای شک نیست که تأمین امنیت درکشور کار و مسوولیت خود ما افغانها است و ما در دفاع از سرحدات خود مصمم میباشیم، اما سؤال در اینجاست که آیا ما توانائی اینکار را در وضعیت موجود دارا هستیم و واقعاً از نظر وسائل و امکانات از عهده اینکار بدر شده میتوانیم؟ اراکین وزارت دفاع و داخله داد و فریاد می زنند که اردو و پولیس از نظر تجهیزات لازم دچار مشکلات شدید و کمبودهای فراوان است. این گفته ها میرساند که ماهوز درموقفی قرار نداریم که امنیت را بطور کامل در داخل کشور برقرار سازیم، چه رسد به اینکه از سرحدات خود دفاع نمائیم. هرگاه در چنین شرایط بنابر فرمایش جناب رئیس جمهور قوای ناتو و آیساف کوچ و بار را ببندند و کشور را ترک کنند، واضح است که میدان برای «برادران» رئیس جمهور و حامیان شان خالی خواهد شد و آنوقت نه تنها امنیت بدتر خواهد شد، بلکه خطر وقوع جنگهای داخلی نیز کشور را بار دیگر تهدید خواهد کرد. اینست نتیجه سیاستمداری این سیاستمدار خود شیفته ای ما.

رئیس جمهور کرزی درحالیکه از یکطرف از ناتو و آیساف میخواهد تا «تمام» قوای خود را از کشور بیرون کنند و امنیت و دفاع از سرحدات را خود ما افغانها بعهده بگیریم، از طرف دیگر می گوید که باید بکوشیم تا در آینده نیروهای ما به پای خود ایستاده باشند. او می فرماید: «ما باید اردو و نیروهای امنیتی و دفاعی کشور خود را مطابق با توانایی ها و واقعیتهای افغانستان عیار بسازیم. اینکار باید موجب قطع وابستگی خارجی نیروهای امنیتی افغانستان گردد. یعنی ما باید خود را از تمویل بیرونی آزاد بسازیم. نمیگویم که اینکار امروز ممکن است، ولی کوشش ما و کار ما

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

باید طرفی باشد که انشاءالله در آینده افغانستان از این لحاظ در تقویت اردو و نیروهای امنیتی خود کاملاً به پای خود ایستاده باشد».

از متن فوق برمی آید که هنوز به پای خود ایستاده نیستیم و «باید» در آینده به این طرف روان شویم و خود را از وابستگی خارجی ها برهانیم، ولی رئیس جمهور درباره سؤال «چگونه و تا چه وقت» و نیز سؤال که «تا آنوقت چه باید کرد؟» ابراز نظر نمیکند. اینرا می گویند «خیالبافی!»

**20 -** مداخله مستقیم و غیرمستقیم در امور انتخابات ریاست جمهوری از هر طرف که باشد، یکی از موضوعات جدی و خطرناک است و در این روزها سرو صداهای زیاد از طرف کاندیدهای ریاست جمهوری و نمایندگان ولسی جرگه مبنی بر مداخله حکومت و بخصوص حمایت واضح از یکی از کاندیدها در کشور بلند است. این مداخلات چه به نوع استفاده غیرقانونی بوسیله اراکین دولت از مقام و وسائل دولتی باشد و یا به شکل تقلب در روز رأی دهی و پرکردن صندوقهای رأی به نفع یک کاندید، مسلماً مشروعیت انتخابات را زیر سؤال می برد و عواقب ناگوار دارد. به نظر بسیاری از مردم همین اکنون رئیس جمهور تلاش دارد تا به هر شکل ممکن کاندید مورد نظر خود را در انتخابات به موفقیت برساند و در این راه بصورت فعال زمینه سازی میکند، اما رئیس جمهور درحالیکه اینکار را شایعه مخالفان می پندارد در عین زمان میکوشد انگشت مداخله را بطرف کشورهای خارجی که بزعم خودش عادت و یا تمایل به مداخله در انتخابات دارند، دراز کرده و در بیانیه خود صراحتاً می گوید: «برگزاری انتخابات آزاد در صورتی ممکن است که در روند انتخابات کشور ما مداخله صورت نگیرد. ... رئیس جمهور آینده کشور باید در نتیجه ابراز اراده آزاد مردم افغانستان انتخاب شود. از این رو به تمام کشورهای خارجی که عادت و یا تمایل به مداخله در انتخابات کشورهای دیگر دارند، هوشدار می دهم، از هر نوع مداخله در انتخابات افغانستان دوری بجویند، بخیرشان است».

جای شک نیست که در انتخابات 2009 ریاست جمهوری هالبروک نماینده خاص رئیس جمهور امریکا در امور افغانستان و پاکستان و پیتر گالبرایت معاون نماینده خاص ملل متحد سعی داشتند تا کرسی در دور اول موفق نشود و انتخابات به دور دوم برود که اینکار تاحدی مداخله را در آنوقت نشان میداد و موجب آزردهی جدی رئیس جمهور کرسی شد، تاجائیکه این آزردهی قدم بقدم کسب شدت کرد و اکنون به یکنوع مخاصمت شخصی مبدل شده و همین مخاصمت شخصی امروز موجب گردیده است تا منافع ملی افغانستان را تحت الشعاع خود قرار دهد.

در انتخابات جاری، طوریکه همه میدانند هیچ خارجی در کمیسیون مستقل شکایات عضویت ندارد مثلیکه در دوره قبل دو نفر خارجی به انتخاب ملل متحد در آن کمیسیون عضویت داشتند. گفتار رئیس جمهور اشاره مستقیم به دوره گذشته است، درحالیکه در این دوره همه اعضای کمیسیون مذکور افغان بوده و همه بوسیله رئیس جمهور از بین یک تعداد شخصیت ها برگزیده شده اند. لذا این اخطاریه رئیس جمهور سعی بر آنست تا ذهنیت مردم را از مداخلات مستقیم و غیرمستقیم خودش و اطرافیان به نفع یک کاندید مشخص بیک سمت دیگر تحریف کند. وقتی این نگرانی حین ایراد بیانیه شان در شورای ملی از طرف چند وکیل بطور جمعی بالا شد، رئیس جمهور چنین جواب داد: «حکومت بسیار کم زور است. هر کاندید در حکومت نفر دارد، بعضی شان ندارد، دیگران دارد».

**21 -** وقتی وجود انسان ضعیف میشود، هر نوع میکروب و ویروس در آن جا میگردد. در یک کشور دارای حکومت ضعیف، هر قدرت چه همسایه و غیر همسایه میکوشد برای خود جایگاه داشته باشد و برای دستیابی به همچو جایگاه مسلماً رقابت جدی بین آنها به وجود می آید. در نتیجه این رقابت ها یک وضع پیچیده و مغلق سیاسی در آن کشور ایجاد میگردد که کنترل آن از دست دولتمردان ضعیف و بی کفایت آن کشور بیرون میشود. رئیس جمهور کرسی با اعتراف به ضعف حکومت خود این وضع آشفته و مغلق را در روابط افغانستان با کشورهای دیگر چنین بیان میکند: «د نریوالو او سیمه بیزو پیچلتیاوو، ستونزو او باریکیو ترمنخ د افغانستان دمنافعو تامین او په روابطو کې د تعادل ساتل، د افغانستان د کثیرالمحور خارجی سیاست بنسټیز اصل دی. په دې سیمه کې د داسې سیاست تحقق - چې نریوالو او سیمه بیزو قدرتونه یې یو له بل سره په رقابت کې واقع دي، آسان کار نه دی. موجود تهدیدونه، فرصتونه او افغانستان تمدنی او جغرافیایی واقعیتونه زموږ د هیواد د خارجی سیاست د ټاکنو عواملو په توګه، ددې سبب شوی دی چې د جهان او سیمې له هیوادونو سره یوه متوازنه رابطه جوړه کړو» (دربین پیچیدگی ها، مشکلات و باریکی های جهانی و منطقوی، تأمین منافع افغانستان و برای حفظ تعادل روابط، سیاست کثیرالمحور افغانستان یک اصل اساسی است. در این منطقه که قدرت های جهانی و منطقوی با یکدیگر در رقابت قرار دارند، تحقق این سیاست کار

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

آسان نیست. تهدیدهای موجود، فرصت ها و واقعیت های تمدنی و جغرافیائی افغانستان به حیث عوامل تعیین کننده سیاست خارجی وطن ما ، سبب شده است که با کشورها جهان و منطقه یک رابطه متوازن را برقرار سازیم).

واقعاً برای یک حکومت ضعیف کار ساده نیست که به اصطلاح «چند خربوزه را در یک دست نگهدارد» این تلاش موجب میشود که همه امکانات از دست بیفتد و در نتیجه یکنوع فضای بی اعتمادی بین همه جوانب رقیب به وجود آید و احتمال دارد که در این راستا یکی از رقبای منطقوی موفق به دسترسی به امور کشور شود. چنانکه قبلاً از سیاست دراز مدت پاکستان در قبال افغانستان یاد آور شدیم. اکنون این سؤال مطرح است که در این آشفتنه بازار رقابت ها در عالم اسباب به کدام ریسمانی چنگ انداخت که به کمک آن کشور را از غرقنا نجات داد؟ آیا میشود بنام «سیاست کثیر المحور» به هر خس و خاشاک دست انداخت؟ رجحان سیاست منطقوی که رئیس جمهور در این سالها رویدست گرفته است و میخواهد دل همه رقبای منطقوی را بدست گیرد، با وضعی که حکومت افغانستان مواجه است، یک گزینه معقول نیست. این سیاست وقتی اثر مثبت بجا میگذارد که افغانستان از حمایت یک کشور قوی برخوردار باشد و در پرتو آن موقف سیاست خارجی خود را بین کشورهای منطقه استوار سازد تا کشورهای منطقه مجبور شوند از سیاست های «آزمندانه و مزورانه» خود در برابر کشورما دست بکشند و آنرا با یک سیاست متعادل و مبتنی بر روابط متقابل و احترام به حق حاکمیت ملی بین یکدیگر تعویض کنند.

رئیس جمهور همچنان درباره روابط افغانستان با کشورهای ایران، ترکیه، هند، روسیه، چین، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و دیگر کشورهای اسلامی چنین می گوید: « له بلي خوا مو د ايران، چين او روسيې سره هم ډيري نږدې او دوستانه روابط مو تاسيس کړي دي. او دواړه روابط مو دوستانه او موازي يوله بل سره چلولي دي. له هند سره زموږ روابط ځانگړي، پراخ، ژور او تاريخي دي. له ترکيې، سعودي عربستان، عربي متحده اماراتو او ډيرو اسلامي هيوادونو سره د اسلامي ورورولۍ پر بنسټ ژور دوستانه روابط لرو. دا روابط په بشپړ ډول زموږ د هيواد په گټه دي، خو موږ خپل هيواد له منطقه يي رقابتونو لرې وساتو» (از طرف دیگر ما با ایران، چین، و روسیه نیز روابط بسیار نزدیک و دوستانه را تاسیس کرده ایم. و هر دو روابط دوستانه و موازی خویش را با یکدیگر پیش می بریم. روابط ما با هند عمیق، وسیع، قوی و تاریخی است... با ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بسیاری کشورهای اسلامی به اساس اخوت اسلامی روابط عمیق و دوستانه داریم. این روابط بطور جدی به منفعت کشور ما است تا ما کشور خود را از رقابت های منطقوی بدور نگهداریم).

در این ارتباط باید گفت که روابط دوستانه با تمام کشورها یک اصل منطقی و سالم است، به شرطیکه حکومت ضعیف ما قادر به حفظ توازن در بین رقبای منطقوی شده بتواند. نگهداشت این توازن کار ساده نیست، نشود که کشور در میدان رقابت های شدید از هرجانب زیر پا شود، خاصتاً وقتی که هیچ حامی در این جهان نداشته و دل هر حامی قدرتمند را از خود به نحوی رنجانیده باشد که دیگر هرگز به کمک اش نشتابد.

در پایان امید میکنم از این گفته هایم جناب رئیس جمهور کرزی و طرفدارنش دلگیر و آزرده نشده، آنرا نشانه ای از اخلاص به وطن و هموطنانم تلقی کنند که هدفی جز اصلاح و خیر در آن نهفته نیست و نیز معروضه به رئیس جمهور آینده کشور خواهد بود تا به تکرار اشتباهات گذشته نپردازد.

به امید صلح، ثبات، وحدت، پیشرفت و رفاه با حفظ استقلال واقعی و حاکمیت ملی در کشور!

(پایان)

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی